



فهرست مطالب

۲	کذب و قذف
۲	اقسام قذف
۳	نسبت افتراء و قذف: اعم و اخص من وجه
۳	اخصیت قذف از کذب به دومرتبه به جهتی
۳	ثبوت حد برای قذف
۳	کبیره بودن معصیت قذف
۴	وجود شرایط ویژه در خصوص ترتب حد
۴	مقایسه کذب با شهادت زور
۴	روایات وارده در مورد شهادت زور
۵	بررسی اجمالی آیات مرتبط شهادت زور
۵	نسبت شهادت زور به کذب و افتراء
۶	نسبت کذب و افتراء با ایمان کاذبه



بسم الله الرحمن الرحيم

کذب و قذف

بحث در مورد موضوعاتی بود که به نحوی با کذب ارتباط دارد. در جلسه قبل در مورد نسبت و ارتباط افتراء و بهتان با کذب همچنین نسبت و ارتباط کذب علی الله و علی الرسول با کذب بحث شد و بیان شد که نسبت افتراء با کذب و همچنین نسبت کذب علی الله و علی الرسول با کذب، عموم خصوص مطلق می باشد و کذب اعم از آن دو می باشد. بحث بیست و یکم در ذیل بحث کذب در مورد رابطه و نسبت قذف با کذب می باشد. قذف، رمی و نسبت فحشا به دیگران می باشد. البته چون در مورد قذف به تفصیل در کتاب حدود بحث می شود در اینجا صرفاً به بیان چند نکته می پردازیم.

اقسام قذف

قذف بر دو قسم می باشد

۱. یک قسم آن است که نسبت فحشاء به دیگران داده می شود درحالی که واقعاً چنین نیست؛ این قسم از قذف، علاوه بر عنوان خاص قذف (که هم حرمت تکلیفی دارد و هم موجب حدّ است) عناوین کذب و افتراء هم در آن هست.
۲. قسم دوم قذف این است که: نسبت فحشا به دیگران واقعی است منتها شخصی که چنین نسبتی داده است امکان اثبات و اقامه شهود ندارد. در قسم دوم عنوان قذف و حکم حرمت وجود دارد، و هم حکم وضعی حد ثابت می باشد ولی عنوان کذب و افتراء وجود ندارد.



نسبت افتراء و قذف: اعم و اخص من وجه

با توجه به دو قسمی که برای قذف بیان شد که در قسم اول قذف، مصداقی برای عنوان افتراء و کذب می باشد به خلاف قسم دوم که قذف افتراء و کذب نیست، نسبت قذف با افتراء و کذب، عموم و خصوص من وجه می باشد به خلاف نسبت افتراء و کذب علی الله و علی الرسول که نسبت آن با کذب عموم و خصوص مطلق می باشد. آنچه در صدق قذف و ثبوت حکم آن موضوعیت دارد نسبت فحشا است بدون اینکه بتواند بر آن شاهد اقامه کند و فرقی نمی کند که واقعیت داشته باشد و یا اینکه خلاف واقع باشد.

اخصیت قذف از کذب به دومرتبه به جهتی

قذف به جهتی، دومرتبه اخص از کذب می باشد چون گاهی نسبت دادن فحشا به دیگران خلاف واقعیت می باشد که در این صورت این قذف اخص از افتراء می باشد چون قذف در محدوده نسبت دادن فحشا می باشد اما افتراء اعم از آن است. و از طرفی دیگر افتراء نیز اخص از کذب می باشد و به کذبی گفته می شود که علیه دیگران باشد. در این صورت بر این قذف از آنجاکه خلاف واقعیت هم می باشد عنوان تهمت و کذب هم صادق می باشد. پس در این صورت یعنی جایی که نسبت فحشا به دیگران خلاف واقعیت باشد سه عنوان محرم صادق است.

ثبوت حد برای قذف

بر قذف به خلاف عناوین سابق که تنها در برخی موارد مانند افتراء و کذب علی الله و علی الرسول به خاطر اینکه گناه کبیره محسوب می شدند تعزیر فقط بر آن ها ثابت بود، در احادیث و روایات برای آن حد تعیین شده است.

کبیره بودن معصیت قذف

قذف، معصیت و گناه کبیره محسوب می باشد که در متن قرآن به آن اشاره شده است و وعده عذاب هم بر آن داده شده است.



وجود شرایط ویژه در خصوص ترتب حد

نکته بعدی در ذیل قذف این است که قذف چه به مسلمان و چه به غیرمسلمان از آنجاکه ممکن است مصداق یکی از عناوین محرم مانند اشاعه فحشا و یا کذب و افتراء قرار گیرد، حرام می‌باشد اما به لحاظ حکم وضعی و ترتب حد بر آن محل اختلاف می‌باشد و برخی در صورتی که قذف نسبت به شخص غیرمسلمان و کافر بیان شده باشد، حد را ثابت نمی‌دانند و اسلام و یا ایمان را در شخصی که قذف می‌شود، شرط ترتب حد می‌دانند.

مقایسه کذب با شهادت زور

بحث بیست و دوم در ذیل بحث کذب، مقایسه کذب با عنوان شهادت زور می‌باشد. شهادت زور از مسائلی است که به صورت مستقل، موضوع تحریم و عتاب و خطاب واقع شده است. شهادت زور، همان کذب است که شخصی در محکمه و برای محکوم شدن یا حاکم شدن شخصی، شهادت دروغ می‌دهد.

روایات وارده در مورد شهادت زور

در کتاب وسایل الشیعه بابی با عنوان تحریم شهادت زور در کتاب شهادات وجود دارد و روایات به طور خاص از شهادت زور منع و نهی کرده‌اند. مانند روایت «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: شَاهِدُ الزُّورِ لَا تَزُولُ قَدَمَاهُ حَتَّى تَجِبَ لَهُ النَّارُ»^۱ این روایت سند بسیار مهم و قاطعی دارد که از امام صادق است. در باب ۹ کتاب الشهادات و دیگر ابواب وسایل روایاتی در مورد شهادت زور وارد شده است که به یکی از این روایات اشاره شد.

^۱ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص: ۳۲۴



بررسی اجمالی آیات مرتبط شهادت زور

یکی از آیات مرتبط با بحث شهادت زور آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^۲ است. در روایات قول زور را به شهادت زور تطبیق داده‌اند و شهادت زور را مصداق قول زور بیان کرده‌اند البته نسبت به اینکه آیا قول زور شامل غنا هم می‌شود یا خیر، به‌طور مفصل بحث شد اما قدر مسلم و مصداق اصلی زور کذب است که در روایات به شهادت زور تطبیق داده شده است. آیه دیگری که مرتبط با بحث می‌باشد آیه «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۳ این آیه هم مربوط به شهادت دروغ می‌باشد ولی دلالت آن بر حرمت ثابت نیست. این آیه در مورد خصوصیات و ویژگی‌های عباد الرحمن می‌باشد. در مورد معنای عبارت «لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» دو احتمال وجود دارد. احتمال اول این است معنای آیه این باشد که در مجلس باطل حاضر نمی‌شوند و احتمال دوم این است که شهادت باطل و کذب نمی‌دهند که البته طبق روایاتی که در ذیل آیه، آمده احتمال دوم قوی‌تر است اما در هر صورت این آیه دلالتی بر تحریم ندارد. اما دلالت روایات بر محل بحث تام می‌باشد.

نسبت شهادت زور به کذب و افتراء

نسبت کذب با شهادت زور اعم و اخص مطلق است چون شهادت زور شهادت خلاف واقع است اما نسبت شهادت زور با افتراء عموم و خصوص من وجه است به خاطر اینکه افتراء بر علیه دیگری است اما می‌توان مواردی را هرچند نادر که شهادت زور فقط به نفع دیگری باشد و بر علیه دیگری نباشد مانند اینکه درجایی با شهادت دروغ مانع اجرای حدی بر شخص در اموری که حق الله است شود ولی در غالب موارد شهادت زور افتراء به دیگری هم هست.

^۲ حج / ۳۰

^۳ فرقان / ۷۲



البته نکته‌ای که در اینجا وجود دارد و نیاز به بررسی دارد این است که آیا مفهوم شهادت زور شامل شهادتی که به گمان شاهد شهادت دروغ و کذب است اما فی‌الواقع کذب نیست می‌شود یا خیر؟ اگر قائل شدیم شامل این نوع شهادت هم می‌شود از این حیث نسبت بین کذب و شهادت زور عموم و خصوص مطلق می‌شود چون در این صورت ممکن شهادت زوری داده شود اما فی‌الواقع کذب نباشد بلکه مجری است ولی کذب نیست.

نسبت کذب و افترا با ایمان کاذبه

بحث بیست و سوم در ذیل بحث کذب نسبت بین کذب و افترا با ایمان کاذبه که دلیل خاص در آیات و روایات دارد، می‌باشد. نسبت افترا با ایمان کاذبه عموم و خصوص من وجه می‌باشد. که ماده اجتماع این دو، قسم دروغ برعلیه شخصی دیگر می‌باشد که هم یمین کذب است و هم افتراء می‌باشد و ماده افتراق آن هم قسم دروغی است که در مورد واقعه‌ای می‌باشد مانند باریدن باران و برعلیه شخص دیگری نمی‌باشد که در این صورت عنوان افتراء صادق نیست. نسبت یمین با کذب به این بستگی دارد مفهوم قسم دروغ و یمین کذب طبق ادله چیست؟ اگر مفهوم یمین کذب، کذب خبری و مخبری واقعی باشد در این صورت نسبت بین کذب و قسم دروغ، عموم و خصوص من وجه می‌باشد اما اگر ادله یمین کاذبه شامل موردی که شخصی گمان می‌کند که قسم دروغ می‌خورد اما فی‌الواقع کذب نیست و مطابق واقع است، بشود در این صورت ماده افتراق کذب و یمین کاذب مواردی که شخصی که قسم می‌خورد، گمان کند قسم دروغ می‌خورد اما فی‌الواقع کذب نباشد که کذب شامل این مورد نمی‌شود و نسبت بین کذب و یمین کذب، عموم و خصوص من وجه می‌شود.